

بدعت بودن مراسم شب اسراء و معراج
برگزاری مراسم اسراء و معراج از کارهای بدعت به حساب می‌آید، که جاهلان و
نادانان آن را به شریعت نسبت می‌دهند و آن را بعنوان سنت هر سال برپا می‌نمایند، که
در شب بیست و هفتم ماه رجب صورت می‌گیرد. و در آن مهارت و زرنگی به خرج
می‌دهند انواع منکرات و بدعت‌های مختلف و گوناگون به صورت‌های متنوع ایجاد
کرده و انجام می‌دهند، مانند اجتماع در مساجد، روشن کردن شمع و چراغ‌ها بر
مناره‌ها، و اسراف و تبذیر در این مورد، و جمع شدن برای ذکر و تلاوت قرآن، بیان
کردن داستان معراج که منسوب به ابن عباس است که تمام آن غلط و باطل و
گمراه کننده می‌باشد و به جز چند حرفی هیچ کدام صحیح نمی‌باشد، به همین صورت
داستان ابن السلطان همان مردی که به جز در ماه رجب نماز نمی‌خواند، که تماماً دروغ
است، در آن داستان آمده است: زمانی که مرد علامت و نشانه‌های صالح بودن در او
ظاهر شد، در مورد او از پیامبر ﷺ سؤال شد گفت: «إِنَّهٗ كَانَ يَجْتَهُدُ وَيَدْعُو فِي رَجَبٍ»

«او کوشش می‌کرد و در ماه رجب دعا می‌نمود». این داستان هم دروغ و افترا است،
خواندن و روایت کردن آن حرام است مگر برای توضیح و ابطال آن.^۱
همچنین این که فرش‌ها و سجاده‌ها و غیره را می‌گسترانند، ظرف‌هایی از مس که
در آنها کوزه‌ها و لیوان‌های وجود دارد می‌گذارند، درست مثل اینکه خانه خدا خانه
خودشان است! در مسجد جامع جمع می‌شوند در حالیکه آن برای عبادت قرار داده
شده است، نه برای فرش کردن، خوابیدن، خوردن و نوشیدن. اجتماع آنها در حلقه‌ها
هم به همین صورت است، هر حلقه و گروهی، بزرگی دارد که در ذکر و تلاوت به او
اقتدا می‌کنند و از او پیروی می‌نمایند، ای کاش آن هم ذکر و تلاوت بود! بلکه در واقع

۱- به السنن و المبتدعات، ص (۱۴۷) و الإبداع، ص (۲۷۲) مراجعه شود.

دین خدا را مورد شوخی و تمسخر قرار می دهند، غالباً ذکرکننده‌ها نمی گویند لا إله إلا الله، بلکه می گویند: لایلاه یلله، به جای همزه یاء تلفظ می کنند در حالی که الف (همزه) قطع است آن را وصل قرار داده‌اند، و هرگاه می گویند سبحان الله آن را می پیچانند و برمی گردانند طوری که فهم نمی شود. قاری، قرآن را می خواند به آن چیزی اضافه می کند که در آن نیست، از آن چیزی را کم می کند که در آن وجود دارد، این زیاد و کم کردن‌ها هم به خاطر آن نغمه‌ها و ترنم‌هایی است که شباهت به آواز دارند، که احوال مذموم خود را بر آن قرار داده‌اند.

در این شب کار قبیح بزرگ دیگری وجود دارد، قاری تلاوت قرآن را شروع می کند دیگری در عین حال شعر می سراید، یا می خواهد شعر خود را آغاز کند، قاری قرآن را مجبور به سکوت می نمایند یا اشاره می کنند که بس کند، یا هر دو را رها می کنند هر کس کار خود را ادامه می دهد، که شنوندگان اشعار بیشتر از قرآن می باشند، این است حال و وضع بازی کردن آنها به دین، حتی اگر این کارها در خارج از مسجد هم بود ممنوع و حرام بود، پس حالا که در مسجد این اعمال را انجام می دهند چگونه است؟!!!!

به این اعمال هم بسنده نمی کنند، بلکه زن و مرد را به صورت مختلط در شب در یک جا جمع می کنند و زنان با آرایش و لباس‌های خیره کننده آنجا حاضر می شوند. هر گاه بعضی بخواهند قضای حاجت نمایند در آخر مسجد جامع آن را انجام می دهند، و بعضی از زنان خجالت می کشند برای قضای حاجت بیرون بروند، شخصی کیسه‌ای به آنها می دهد در آن می شاشند در مقابل این کار چیزی به آن نفر می دهند و آن را از مسجد بیرون می برد، و این کار را بارها تکرار می کنند، قضای حاجت در مسجد در کیسه حرام است، علاوه بر اینکه کاری بسیار شنیع و قبیح می باشد. و بعضی دیگر برای قضای حاجت به کوچه‌های بن‌بست و تاریک که در جنب مسجد هستند می روند، و

صبح که مردم برای ادای نماز صبح به مسجد می‌روند پا روی این نجاست و کثافت می‌گذارند در نتیجه کفش‌هایشان کثیف شده و این کثافت را با خود به مسجد منتقل می‌کنند و معلوم است بردن نجاست به مسجد گناه بزرگی است، و روایت داریم که انداختن خلط در مسجد خطا و گناه است. در حالی که خلط پاک است و بی‌نماز نیست، پس چیزی که به اتفاق کثیف و نجس و بی‌نماز است چگونه است؟

و سایر کارهای قبیح و زشتی که به نام دین صورت می‌گیرد، و ادعای تعظیم و تکریم بعضی از امور می‌کنند که به گمان خود به خاطر محبت حضرت رسول اکرم ﷺ می‌باشد.^۱

این مراسم و مجالس در شب بیست و هفتم ماه رجب که گمان می‌برند شب اسراء و معراج است در اساس باطل است، چون ثابت نشده است که در خود این شب به پیامبر ﷺ شبروی شده باشد. ابن قیم جوزی می‌گوید: و اما سؤال دوم، از شیخ الإسلام ابن تیمیه - رحمه الله - سؤال شد که مردی گفت: شب اسراء از شب قدر بزرگ‌تر و بافضیلت‌تر است، دیگری گفت: خیر، شب قدر بزرگ‌تر است، کدام یک درست می‌گوید؟

ایشان جواب داد: الحمدلله، کسی که می‌گوید شب اسراء از شب قدر بزرگ‌تر است، اگر منظورش شبی باشد که پیامبر ﷺ در آن به معراج رفته و یا امثال آن در هر سال، برای امت حضرت محمد ﷺ از شب قدر بزرگ‌تر است به طوری که قیام و عبادت و دعا در آن از شب قدر خوب‌تر و بهتر است این فکر باطل است، هیچ یک از مسلمانان چنین چیزی را نگفته‌اند، دین اسلام این تفکر را فاسد می‌داند، این در حالی است که اگر عین شب اسراء معلوم بود، حال که نه ماه آن و نه دهه و عین آن معلوم و

۱- به کتاب: المدخل لابن الحاج، (۱/۲۹۵-۲۹۸) مراجعه شود.

مشخص است، بلکه آنچه در این مورد نقل شده است مختلف و گوناگون می‌باشد و نمی‌توان قطعیت آن را بیان کرد، و برای مسلمانان هم شب خاصی قرار داده نشده که در آن عبادت کنند و گمان شود آن شب، شب اسراء است، بر خلاف لیلۃ القدر که کاملاً مشخص و به عبادت در آن شب توصیه شده است.^۱

علما در مشخص کردن شب اسراء پیامبر ﷺ اختلاف نظر دارند.

ابن حجر العسقلانی می‌گوید: در وقت معراج اختلاف وجود دارد، گفته شده است: قبل از مبعث بوده است، که نظر شاذ و نادر است، مگر اینکه بر این حمل شود که آن وقت در خواب واقع شده است.

اکثر علما بر این عقیده‌اند که بعد از مبعث بوده، سپس اختلاف نظر پیدا کرده‌اند: بعضی گفته‌اند: یک سال قبل از هجرت بوده است، این نظریه ابن سعد و غیره است. امام نووی آن را قاطعانه بیان می‌کند، و ابن حزم مبالغه می‌کند و برای این نظریه اجماع را نقل می‌نماید پس باید در ماه ربیع‌الأول باشد، که مردود است، در این نظریه اختلاف زیادی وجود دارد، نزدیک ده قول وجود دارد، ابن الجوزی می‌گوید: هشت ماه قبل از هجرت بوده، پس در ماه رجب واقع می‌شود، بعضی گفته‌اند: شش ماه قبل از هجرت بوده که در ماه رمضان واقع می‌شود که ابوریع بن سالم این نظر را دارد. ابن حزم ماه رجب را حکایت می‌کند چون گفته است در ماه رجب سال دوازدهم نبوت صورت گرفته است. بعضی می‌گویند: یازده ماه قبل از بعثت بوده است، ابراهیم حربی این نظریه را قاطعانه بیان می‌کند آنجا که می‌گوید: در ماه ربیع‌الآخر یک سال قبل از هجرت بوده است، ابن المنیر در شرح السیره ابن عبدالبر آن را ترجیح می‌دهد، بعضی هم می‌گویند: یک سال و دو ماه قبل از هجرت صورت گرفته است، ابن عبدالبر این رأی را حکایت

۱- به کتاب: زادالمعاد مراجعه شود، (۵۷/۱)

می‌کند. ابن فارس می‌گوید: یک سال و سه ماه قبل از مبعث بوده است. السدی می‌گوید: یک سال و پنج ماه و آن را از طریق طبری و بیهقی تخریج کرده است، بر این اساس در ماه شوال، یا رمضان و یا ربیع‌الأول می‌باشد، واقدی آن را قاطعانه بیان می‌کند، و نظریه ابن قتیبه بر ظاهر آن منطبق می‌باشد. ابن عبدالبر می‌گوید هیجده ماه قبل از مبعث بوده است. ابن سعد از ابن ابی سبره روایت می‌کند که در ماه رمضان هیجده ماه قبل از هجرت صورت گرفته است. ابن عبدالبر حکایت می‌کند و امام نووی بطور قطع در کتاب الروضه می‌گوید که در ماه رجب بوده است، ابن الأثیر می‌گوید: سه سال قبل از هجرت بوده است. عیاض و قرطبی و نووی از زهری حکایت می‌کنند که پنج سال قبل از هجرت صورت گرفته است، عیاض و پیروان او این نظریه را ترجیح می‌دهند.^۱

آنچه از اقوال علما و نظرات مختلف آنها در مورد شب اسراء و معراج بیان شد، مصداق سخن شیخ الإسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌باشد، که دلیلی معلوم و روشنی برای این ماه وجود ندارد، حتی دلیلی بر دهه و عین آن شب نیز موجود نیست، بلکه نظرات گوناگون مختلفی وجود دارد، و نمی‌توان هیچ کدام را قطعی دانست.^۲

ابن رجب می‌گوید: روایت شده است که در ماه رجب حوادث مهم و بزرگی روی داده است، هیچ کدام هم از آنها صحیح نمی‌باشد، روایت شده که پیامبر ﷺ در اولین

۱- به فتح الباری، (۲۰۳/۷) و شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة، (۳۰۷/۱-۳۰۸) و الطبقات لابن سعد، (۲۱۳/۱)، الوفا لابن الجوزی، (۳۴۹/۱)، الجامع لأحكام القرآن از قرطبی ۱۰/۲۱۰ و شرح نووی علی صحیح مسلم ۲/۲۰۹ و البداية والنهاية ۳/۱۱۹ و عیون الأثر لابن سید الناس ۱/ ۱۸۱ مراجعه شود.

۲- به زادالمعاد، (۵۷/۱) مراجعه شود.

شب ماه رجب متولد شده است، در بیست و هفتم آن به معراج رفته است، و بعضی هم می‌گویند در بیست و پنجم آن بوده است که هیچ کدام صحیح نمی‌باشد.^۱

ابوشامه می‌گوید: بعضی از داستان‌ها بیان می‌کنند که اسراء در ماه رجب بوده است، این نظریه نزد علمای جرح و تعدیل دروغی آشکار می‌باشد.^۲

حکم مراسم شب اسراء و معراج

سلف صالح اتفاق نظر دارند بر اینکه، برگزاری و شرکت کردن در مراسمی غیر از مراسم و مجالس شرعی که بعد از پیامبر ﷺ پیدا شده‌اند و از آنها نهی کرده است بدعت می‌باشد: «إياكم ومحدثات الأمور، فإن كل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة».

بترسید و خودداری کنید از اینکه چیزهایی به دین اضافه کنید، چون هر چه را اضافه کنید بدعت محسوب می‌شود و هر بدعتی ضلالت و گمراهی می‌باشد.

در جای دیگر می‌فرماید: «من أحدث فی أمرنا هذا ما لیس منه فهو رد» هر کس در دین و برنامه‌ها چیزی را اضافه کند که از دین نیست مردود می‌باشد. و یا می‌فرماید: «من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد».

هر کس کاری را انجام دهد که بر آن دستور ما وجود ندارد مردود می‌باشد. برگزاری مراسم شب اسراء و معراج بدعتی است که پیدا شده است، اصحاب پیامبر ﷺ و تابعین و سلف صالح که حریص‌ترین مردم برای انجام کارهای خیر بوده‌اند آن را انجام نداده‌اند.

۱- به لطائف المعارف، ص (۶۸) مراجعه شود.

۲- به کتاب الباعث، ص (۱۷۱) مراجعه شود.

ابن قیم جوزی می‌گوید: شیخ الإسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌فرماید: از هیچ یک از مسلمانان شنیده نشده که شب اسراء بر سایر شب‌های دیگر فضیلتی داشته باشد علی‌الخصوص بر لیلۃ القدر، و صحابه و تابعین هم شب اسراء را به هیچ کاری اختصاص نداده‌اند و آن را بیان هم نکرده‌اند به همین خاطر است که مشخص نشده کدام شب، شب اسراء می‌باشد.

با اینکه اسراء از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فضایل پیامبر ﷺ محسوب می‌شود اما این زمان و مکان برای عبادت مشخص و توصیه نشده است، حتی غار حراء که ابتدای نزول وحی در آن بوده است و قبل از نبوت هم پیامبر ﷺ آنجا می‌رفت، نه پیامبر ﷺ و نه صحابه بعد از نبوت در طول اقامت آنها در مکه به قصد عبادت آنجا نرفتند و آن روز را که در آن وحی نازل شد به عبادت اختصاص ندادند، نه مکانی که در آن وحی نازل شد و نه زمان آن را به هیچ عبادت و کاری اختصاص ندادند.

هرکس از خودش به خاطر این و آن، زمان‌ها و مکان‌ها را به عبادت اختصاص دهد او پیرو اهل کتاب می‌باشد، که زمان احوال حضرت مسیح را مراسم و عبادت قرا می‌دادند، مانند روز تولد (میلاد مسیح)، روز تعمید و غیره.

عمر ابن خطاب رضی الله عنه جماعتی را مشاهده کرد که برای ادای نماز به مکانی و جای مشخصی از یکدیگر پیشی می‌گیرند و مسابقه می‌دهند، گفت: چه خبر است؟ گفتند: جایی است که رسول الله ﷺ در آن نماز خوانده است، گفت: آیا می‌خواهید آثار پیامبران خود را مسجد و مکان عبادت قرار دهید؟! گذشتگان شما با این کارها هلاک شدند، هر کس هنگام نماز هر جا بود همان جا نماز بخواند و به صورت خصوصی قصد مکانی را نکند.^۱

۱- به زادالمعاد، (۵۸/۱-۵۹) مراجعه شود، ابن ابی شیبیه در کتاب خود ۲/ ۳۷۶ آن را نقل می‌کند.

شیخ الإسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می گوید: تشکیل و گرفتن مراسمی غیر از مراسم شرعی، مانند بعضی از شب‌های ربیع‌الأول که می گویند میلاد پیامبر ﷺ می باشد، یا بعضی از شب‌های ماه رجب، یا هیجدهم ذی‌الحجه، یا اولین جمعه ماه رجب، یا هشتم ماه شوال که جاهلان آن را عید الأبرار می نامند، همه اینها بدعت هستند، سلف صالح آن را نپسندیده و انجام نداده‌اند، والله سبحانه و تعالی أعلم.^۱

ابن الحاج می گوید: از بدعت‌هایی که در ماه رجب پیدا کرده‌اند شب بیست و هفتم آن است که شب معراج است.^۲

به دنبال آن بدعت‌های زیاد دیگری را بیان می کند شامل اجتماع در مساجد، اختلاط زنان با مردان، روشن نمودن چراغ‌های زیادی در این شب، قاطی کردن قرائت و تلاوت قرآن با اشعار و سرودهای مختلف و گوناگون با صداها و لحن‌های مختلف، و مراسم و جشن گرفتن شب اسراء و معراج که آن را به شریعت و دین نسبت می دهند و در واقع از دین نیستند.^۳

شیخ محمدبن ابراهیم آل‌الشیخ - رحمه الله - هنگامی که سازمان رابطه العالم الإسلامی ایشان را برای حضور در یکی از مراسم اسراء و معراج دعوت می کند آن دعوت را رد می نماید، از او در این مورد سؤال می شود؟ می گوید این کار مشروع و صحیح نیست، آن هم به دلیل قرآن، سنت، استصحاب و عقل:

اما دلیل قرآنی:

خداوند می فرماید:

۱- به مجموع الفتاوی، (۲۹۸/۲۵) مراجعه شود.

۲- به کتاب المدخل، (۲۹۴/۱) مراجعه شود.

۳- به کتاب المدخل، (۲۹۴/۱) و به الإبداع، ص (۲۷۲) مراجعه شود.

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده: ۳)

«امروزه دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را بعنوان آیین خداپسند برای شما برگزیدم».

خداوند می فرماید:

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (نساء: ۵۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیامبر ﷺ (با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمایید و اگر در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیامبر ﷺ او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید».

رد بسوی خدا یعنی مراجعه به قرآن او، و رد بسوی رسول ﷺ مراجعه به خود او در زمان حیات و بعد از فوت به سنت‌های او می‌باشد.

خداوند می فرماید:

﴿قُلْ إِن كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

رَحِيمٌ﴾ (آل عمران: ۳۱)

«بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خداوند آمرزندهٔ مهربان است».

خداوند می فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ تَخَالَفُونَ عَنْ أَمْرِهِمْ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (نور: ۶۳)

«آنان که با فرمان او مخالفت می کنند، باید از این بترسند که بلایی گریبانگیرشان گردد، یا اینکه عذاب دردناکی دچارشان شود».

دلیل سنت:

۱- در صحیحین ثابت شده و آمده است که حضرت عایشه - رضی الله عنها - از پیامبر ﷺ روایت می کند: «من أحدث فی أمرنا هذا ما لیس منه فهو رد» و در روایت مسلم آمده است: «من عمل عملاً علیه أمرنا فهو رد» هر کس در دین ما چیزی را اضافه کند که از آن نباشد مردود است.

یا هر کس کاری انجام دهد که دستور و امر ما بر آن وجود نداشته باشد مردود است.

۲- ترمذی روایت می کند و آن را صحیح می داند، و ابن ماجه، ابن حبان در صحیح خود از عرباض بن ساریه روایت می کنند که پیامبر ﷺ فرموده است: «إیاکم محدثات الأمور، فإن کل محدثة بدعة وکل بدعة ضلالة» ترجمه آن گذشت.

۳- امام احمد و بزار از غضیف روایت می کنند که پیامبر ﷺ می فرماید: «ما أحدث قومٌ بدعةً إلا رفع مثلها من السنة»^۱.

هر قوم و ملتی که بدعتی را ایجاد کنند مشابه آن از سنت پیامبر ﷺ از بین می رود. و پیامبر ﷺ می فرماید: «ما من أمة ابتدعت بعد نبیها بدعة إلا أضععت مثلها من السنة»^۱.

۱- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۱۰۵/۴) سیوطی آن را در کتاب جامع الصغیر، حدیث شماره (۷۷۹) بیان می کند هیشمی در مجمع الزوائد، (۱/۱۸۸) آن را آورده است و می گوید: در آن ابوبکر بن ابی مریم که منکر الحدیث وجود دارد..

هر امتی که بعد از پیامبر ﷺ خود بدعتی را ایجاد کند مثل آن را از سنت پیامبرش ضایع می‌کند و از بین می‌برد.

۴- ابن ماجه و ابن ابی‌عاصم از انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کنند که پیامبر ﷺ فرموده است: «أبی الله أن یقبل عمل صاحب بدعة حتی یدع بدعته».^۲

خداوند عبادت کسی را که بدعتی انجام می‌دهد تا زمان ترک آن بدعت، قبول نمی‌کند.

طبرانی روایت می‌کند که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إن الله حجج التوبة عن کل صاحب بدعة حتی یدع بدعته».^۳

خداوند توبه کسی را که بدعتی انجام دهد قبول نمی‌کند تا زمانی که آن بدعت را ترک نکند.

دلیل استصحاب: (یعنی باقی ماندن حکم به صورتی که قبلاً بوده به شرطی که دلیلی برای تغییر آن وجود نداشته باشد).

در این جا استصحاب از نوع عدم اصلی مدنظر است.

۱- هیشمی در مجمع الزوائد، (۱۸۸/۱) آن را بیان می‌کند، طبرانی در کبیر آن را آورده است در آن ابوبکر بن ابی‌مریم که منکر الحدیث وجود دارد. سیوطی در جامع الصغیر، (۵۰۸/۲)، حدیث (۷۹۹۹) آورده است و گفته ضعیف است.

۲- رواه ابن ماجه فی سننه، (۱۹/۱) مقدمه، حدیث (۵۰)، بوصیری گفته: راویان ای سند همه مجاهیل هستند. به مصباح الزجاجة ۱۱/۱ و الکاشف للذهبی ۳۸۰/۳ مراجعه شود، رواه ابن ابی‌عاصم فی کتاب السنة، (۲۲/۱)، حدیث (۳۹).

۳- هیشمی در مجمع الزوائد آن را بیان می‌کند، (۱۸۹/۱۰) رواه الطبرانی فی الأوسط، و راویان این حدیث صحیح هستند به جز هارون بن موسی فروی که او ثقة می‌باشد.

(عدم اصلی: یعنی اصل برائت است مثلاً اگر کسی ادعا کند بر دیگری حقی دارد بر او لازم است ثابت کند چون اصل برائت مدعی علیه می باشد).

عبادات توقیفی هستند، مثلاً گفته نمی شود این عبادت مشروع است مگر با دلیل قرآن، سنت و اجماع علما، و صحیح نیست بیان شود که فلان چیز یا عبادت به دلیل مصالح مرسله یا استحسان یا قیاس یا اجتهاد جایز و درست می باشد، چون مسایل اعتقادی و عبادات و مقدرات مثل ارث و حدود جای نظر دادن نیستند و توقیفی می باشند.

دلیل عقل:

اگر این کار مشروع و صحیح بود شایسته ترین مردم به انجام آن شخص حضرت محمد ﷺ بود، البته اگر این تعظیم به خاطر اسراء و معراج بود، و اگر چنانچه به خاطر شخص پیامبر ﷺ و یاد او باشد همانطور که در روز میلاد این کار را می کنند شایسته ترین مردم برای انجام آن ابوبکر صدیق سپس عمر فاروق سپس عثمان ذی النورین و علی مرتضی ﷺ و بعد از آنها صحابه به ترتیب مقام آنها و تابعین و ائمه دین بودند، در حالی که از هیچ کدام از آنها هیچ چیزی در این مورد شنیده نشده و انجام نداده اند. پس عمل آنها برای ما کافی است^۱. سپس - رحمه الله - سخن ابن النحاس در کتابش تنبیه الغافلین را در مورد بدعت مراسم شب اسراء و معراج بیان می کند، در آن آمده است: جشن گرفتن و تشکیل مراسم برای این شب بدعتی بزرگ در دین می باشد، و از چیزهایی است که دوستان شیاطین آن را به وجود آورده اند.^۲

۱- به فتاوی و رسائل الشیخ محمد بن ابراهیم، (۹۷/۳) مراجعه شود.

۲- به تنبیه الغافلین، ص (۳۷۹-۳۸۰) مراجعه شود.

شیخ محمدبن ابراهیم در فتوای دیگر می گوید: مراسم اسراء و معراج کاری باطل است، و بدعت می باشد، و تقلید از یهود و نصاری در تعظیم ایامی است که شریعت آنها را تعظیم نکرده است، این رسول خدا حضرت محمد ﷺ است که قوانین را می گذارد، اوست تعیین می نماید چه چیزی حلال و چه چیزی حرام است، خلفای راشدین، ائمه هدی مثل صحابه و تابعین هیچ کدام بیان نکرده اند که پیامبر ﷺ برای این شب و یاد آن مراسم و مجلس را تشکیل داده باشد، سپس می گوید: مراسم و جشن گرفتن برای یادبود شب اسراء و معراج بدعت است، درست نیست و شرکت در آن هم جایز نمی باشد.^۱

و او - رحمه الله - فتوا داده است: هر کس نذر کند که در هر سال در بیست و هفتم ماه رجب قربانی کند، نذرش درست نیست، چون معصیت است، چون ماه رجب نزد اهل جاهلیت مهم و جای تعظیم است و شب بیست و هفتم آن به اعتقاد بعضی از مردم شب اسراء و معراج است آن را شب عید و جشن قرار می دهند و در آن شب جمع می شوند، و کارهای بدعت انجام می دهند، و پیامبر ﷺ از وفا کردن به نذری که در جایی که اهل جاهلیت اعیاد خود را برپا می کنند یا برای غیر خدا ذبح می کند نهی کرده است. پیامبر ﷺ به کسی که نذر کرده بود که شتری را در بوانه^۲ سر بُرد و ذبح کند گفت: «هل كان فيها وثن من اوثان الجاهلية يُعبد؟ قالوا: لا. قال: فهل كان فيها

۱- به فتاوی و رسائل شیخ محمدبن ابراهیم آل شیخ، (۱۰۳/۳) مراجعه شود.

۲- تپه‌ای است پشت ینبع نزدیک ساحل دریا. به معجم البلدان، (۵۰۵/۱) مراجعه شود.

عید من اعیادهم؟ قالوا: لا. فقال ﷺ: أوف بنذرک، فإنه لاوفاء لنذر فی معصية الله، ولا فیما لا یملک ابن آدم»^۱.

آیا در آنجائی از بت‌های زمان جاهلیت وجود داشته است که عبادت شود؟ گفتند: خیر. گفت آیا عیدی از عیده‌های آنها در آنجا برپا شده است؟ گفتند: خیر، فرمود: به نذرت وفا کن، چون نذری که برای معصیت خدا باشد درست نیست و نذر کردن چیزی که انسان مالک آن نیست صحیح نمی‌باشد.

شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز - رحمه الله - می‌فرماید: این شب که اسراء و معراج در آن واقع شده، در احادیث صحیح تعیین آن نیامده است، و مشخص نیست، و تمام آن حدیث‌هایی که برای تعیین آن شب وارد شده‌اند نزد متخصصان و عالمان حدیث‌شناس تأیید نشده‌اند، حکمت فراوان خداوند مقتضی این بود که مردم آن شب را فراموش کنند و اگر آن شب هم مشخص و معین بود برای مسلمانان جایز نبود که آن را به عبادت اختصاص دهند و یا مراسمی برای آن تشکیل دهند، چون پیامبر ﷺ و صحابه رضی الله عنهم برای آن جشن و مراسمی نگرفته‌اند و آن را به عبادت اختصاص نداده‌اند، اگر چنانچه جشن و مراسم و عبادت در آن شب شرعی و صحیح بود پیامبر صلی الله علیه و آله با قول و عمل خود آن را برای امت بیان می‌کرد. و اگر چنین چیزی موجود بود حتماً شایع می‌شد، و صحابه رضی الله عنهم آن را به ما منتقل می‌کردند، چون هر چه امت و مردم نیاز داشته‌اند آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، و هیچ چیزی را که مربوط به دین باشد جا نگذاشته و

۱- رواه ابوداود فی سننه، (۶۰۷/۳)، کتاب الایمان و النذور، حدیث شماره (۳۳۱۳) و رواه بیهقی فی سننه، (۸۳/۱۰) و رواه الطبرانی فی معجم الکبیر، (۶۸/۲)، حدیث شماره: (۱۳۴۱)، شیخ محمد بن عبدالوهاب گفته: اسناد این حدیث بر شرط شیخین است. برای تفصیل بیشتر معنای این حدیث به فتاوی و رسائل شیخ محمد بن ابراهیم ۱۰۴/۳ مراجعه شود.

فراموش نکرده‌اند، بلکه برای هر کار خیری جزو سابقین بوده‌اند، اگر جشن و مراسم گرفتن برای این شب شرعی و صحیح بود آنها سابق‌ترین و مقدم‌ترین مردم برای انجام آن بودند، و پیامبر ﷺ نصیحت‌کننده‌ترین مردم برای امتش بوده است، و ابلاغ رسالت او به نهایت خود رسیده بود، و امانت خود را آنگونه که حقش بود ادا کرد، اگر تعظیم این شب و گرفتن مجلس و مراسم برای آن صحیح بود پیامبر ﷺ آن را فراموش نمی‌کرد و یا آن را کتمان نمی‌نمود، پس معلوم می‌شود که صحیح نیستند، خداوند برای این امت دین و آیینش را کامل کرده است و نعمت خود را به اتمام رسانده و به کسی که بر دین او چیزی را اضافه کند که اجازه او بر آن وجود ندارد هشدار داده است، خداوند سبحان در قرآن سوره مائده آیه ۳ می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده: ۳)

«امروزه دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آیین خداپسند برای شما برگزیدم».

و در سوره شوری آیه ۲۱ می‌فرماید:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ

الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (شوری: ۲۱)

«شاید آنان شریکان و معبودهایی دارند، که برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند، که خدا بدان اجازه نداده است!، اگر وعده فیصله کردن نبود، میانشان داوری می‌گردید قطعاً ستمگران عذاب دردناکی دارند».

از پیامبر ﷺ احادیث صحیحی روایت شده که مردم را از بدعت‌ها ترسانده و تصریح کرده‌اند که بدعت‌ها ضلالت و گمراهی هستند و مردم را از خطر آنها آگاه کرده و از ارتکاب آنها به مردم تذکر داده است.^۱

سپس او - رحمه الله - بعضی از احادیثی را که در مورد ذم بدعت‌ها آمده‌اند روایت می‌کند، مانند: «من أحدث فی أمرنا هذا ما لیس منه فهو رد» و «من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد» یا «أما بعد فإن الخیر الحدیث کتاب الله وخیر الهدی هدی محمد ﷺ، وشر الأمور محدثاتها، وكل بدعة ضلالة» و قوله ﷺ: «فعلیکم بسنتی وسنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدی تمسکوا بها، وعضوا علیها بالنواجذ، وإیاکم ومحدثات الأمور، فإن کل محدثة بدعة، وکل بدعة ضلالة»^۲ ترجم و تخریج این روایات گذشت.

این سخنان علما و آنچه که به آن از آیات و احادیث استدلال کردند در این مورد کافی و وافی است، و برای کسی که طالب حق باشد قانع کننده می‌باشند، مراسم شب اسراء و معراج بدعت است و هیچ ربطی به دین ندارد، بلکه به دین اضافه شده و بدون اذن و اجازه خدا صورت گرفته است، و تشبّه و تقلید از دشمنان خدا، یهود و نصاری در زیاد کردن دین و ایجاد بدعت‌ها در آن می‌باشد، که لازمه آن این است که دین ناقص است و به عدم کامل بودن آن متهم می‌شود، که این تفکر، فساد بزرگ، منکر قبیح و شنیع و تضاد و مقابله با قول خداوند می‌باشد، فرموده خداوند:

۱- به کتاب التذیر من البدع، ص (۷-۹) مراجعه شود.

۲- مسند امام احمد ۴/ ۱۲۶، و سنن ابوداود، کتاب السنة، حدیث شماره: ۴۶۰۷، و سنن ترمذی، ابواب العلم، حدیث شماره: ۲۸۱۶ و گفته: حدیث حسن صحیح است، و مقدمه ی سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۴۲ و ۴۳.

(مائده: ۳)

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾

و با احادیث پیامبر ﷺ که از بدعت مردم را ترسانده در تضاد است، آنچه جای تأسف می‌باشد این است که این بدعت در اکثر کشورهای اسلامی شایع شده و رواج پیدا کرده است، حتی بعضی از مردم گمان می‌کنند اصل دین است، از خداوند خواستاریم احوال تمام مسلمانان را اصلاح کند، به آنها فقه و فهم صحیح دین عطا کند، ما و ایشان را برای تمسک به حق و ثبات و استقامت بر آن موفق گرداند، تا آنچه مخالفت با او است آن را ترک کنیم، چون او قادر و توانا است، و صلی الله وسلم علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.^۱

۱- به التحذیر من البدع، ص (۹) مراجعه شود.